



نورسیدگان

این گروهی که نورسیدستند

عشوه بی جاه و زر فریدستند

سر باغ و دل و زمین دارند

کی عم عقل و شرع و دین دارند

دل سیاهان تیره هوشانند

جاه جویان و دین فروشانند

همه باز آشیان شاهین فشم

همه طوطی زبان کرکس چشم

گشته گریان ز بعض یکدیگر

کاین فلان ملمد ، آن فلان کافر

همه از راه صدق بی خبرند

آدمی صورتند، لیک فرند

همه دیوان آدمی رویند

همه غولان بیرهی پویند

معنی دیو چیست؟ بیدادی

تو به بیدادیش چرا شادی؟

همه جویای کبر و تمکینند

همه فصیح شریعت و دینند

همه در علم سامری وارند

از برون موسی، از درون مارند

همه بسیار گوی کم دانند

همه چون غول در بیابانند

دیو زافغان شان مذر کرده

آنچه زو گفته، زان بتر کرده

در نفاق و خیانت و تلبیس

در گذشته به صد درک، زابلیس

مال ایتام داشته به ملال

خورده اموال بیوه و اطفال

داده فتوی به فون اهل زمین

از سر جهل و مرص و از سر کین

هیچ نیافته ز تقوی بوی

تهی از آب مانده همچو سبوی

